

مثنوی

بشنو از نِـهـی چون حكا.. عاـیـت می ییـكـنـد
وز جدا.. آـیـی ها آعا.. شكـا... بـت می ییـكـنـد
كز نیستان تا مرا ببریـده اند آعاهاهاها.. ها..
از نفیـرم مرد و زن نالـبـه یی هی ه ده اند

سینه خوا..هَمْ شَدَّ رَحَه شَرَحَه ئِه از فرا..آ. آعَاهِ هَاهُ آ... ق
تا بگو...مِ شَرَحَ دَ رَدِ اِ شَتِیَا... آهَاهِ هَاهُ آ ق
تا بگو...مِ شَرَحِ دَرْدِ اشْتِیَاقِ
آ.. آهَاهَا هَاهَا

من به هر جمعیتی هی... نالا...ن شد آه ه ه ه آم
آ آ آها هاهاهاها
آ آ آها هاهاهاها هاهاهاها هاهاهاها
آ آ ... آ.. آهاهاهاهاها

من به هر جمعیتی هی... نالا...ن شد آه ه ه ه أم
جفت بدحا...لان و خوش حالا...ن شدم
آ.. آهاهاها ه ها

هرکسی هی از طنّ خود شتّوُّهُد یا.. من
وز درون من نجست آآآ ه سرار من

آ آ... آها هاها هِ هِ ها آعا آعا
آ آ... آها هاها هاها هِ هِ ها آعا آعا

آ.. آهاها هِ ها